

گزیده‌ای از مفاهیم مابعدالطبیعه

بررسی و نقد ترجمه «فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفه»*

دکتر احمدعلی حیدری**

□ چکیده

فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفه که برخی از مداخل آن در گروه مترجمان مؤسسه فرهنگی - پژوهشی نوارغنون ترجمه شده، مشتمل بر ۳۷۱۲ مدخل است که انتشار آن از سال ۱۹۷۱ با نظارت یوآخیم ریتز تا سال ۲۰۰۴ م. صورت گرفته است. مهم‌ترین ویژگی این فرهنگ‌نامه، رصد مفاهیم تاریخی فلسفه در بستر تطورات تاریخی آن است. در این اثر، حتی توجه به تداول مفاهیم در زبان روزمره و انحراف‌هایی که به تدریج از خاستگاه آغازین خود داشته‌اند، مدنظر قرار گرفته است.

□ کلیدواژه‌ها

فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفه، یوآخیم ریتز، فرهنگ‌نامه فلسفی آیسلر، تطورات تاریخی مفاهیم فلسفه، فرهنگ‌نامه‌های «اروپامحور».

پیشگفتار

از آنجا که اکنون ازدست‌دادن یک مفهوم که در حکمت جهانی اندیشه

*. تحت سرپرستی و مدیریت علمی یوآخیم ریتز، ترجمه: گروه مترجمان، سرویراستار: دکتر سیدمحمد رضا حسینی بهشتی، با همکاری مهدی میرزازاده و فریده فرنود، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) و مؤسسه فرهنگی-پژوهشی نوارغنون، ۱۳۸۶.
**. عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی.

مفهومی اهمیت زیادی دارد، نمی‌تواند برای فیلسوف بالسویه باشد، امیدوارم تعیین و حفظ دقیق اصطلاحی که مفهوم به آن وابسته است نیز در نزد فیلسوف، بالسویه باقی نماند. (امانوئل کانت؛ به نقل از پیشگفتار یوآخیم ریتز بر جلد اول فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفه)

نگارش فرهنگ‌نامه‌های فلسفی در سنت فرهنگی ما زمینه‌هایی داشته، اما هیچ‌گاه در شیوه کار، دقت علمی، تدقیق و تعمیق در آرای فلسفی و گسترده‌گی منابع مورد استفاده، به پای فعالیت‌هایی از این دست در مغرب‌زمین کنونی نرسیده است. سابقه فرهنگ‌نویسی فلسفی با این ملاحظات در اروپا به حدود سده نوزدهم بازمی‌گردد؛ روزگاری که دانشمندان فقه‌اللغه به واژه‌ها و پیشینه آنها روی آورده‌اند و به تدوین مصطلحات پرداختند. فرهنگ‌های امروزی اروپایی بر دوش این سابقه طولانی استوار شده است.

فرهنگ‌نامه‌ی تاریخی مفاهیم فلسفه — که گزیده‌ای از مفاهیم مابعدالطبیعه، ترجمه بخش‌هایی از آن است — در میان فرهنگ‌های فلسفی اروپایی موقعیت ممتازی دارد. ابعادی که در این کار ملاحظه شده، چندان گسترده است که حتی اندیشمندانی که در حوزه‌های انگلیسی‌زبان به فعالیت‌های فلسفی اشتغال دارند، از آن به «کار قرن» تعبیر کرده‌اند.

مدخل‌هایی از این فرهنگ بزرگ در مؤسسه فرهنگی — پژوهشی نوارغنون با عنوان گزیده‌ای از مفاهیم مابعدالطبیعه ترجمه و منتشر شده است. این جلد، ترجمه نخستین از یک مجموعه ۴ جلدی است که گروهی از مترجمان مؤسسه مذکور آن را ترجمه کرده‌اند و ویراستاری آن برعهده دکتر محمدرضا بهشتی — استاد فلسفه دانشگاه تهران و مدیر این مؤسسه — بوده است. جلد نخست، دربرگیرنده مفاهیمی چون اتحاد، اصل، اصل تعلیمی، اصل جهت کافی، اصل علت، اصل متعارف، اصل

موضوع، اصل امکان خاص، انفعال و ایده است. ۳ جلد دیگر از مداخل این فرهنگ، در حوزه‌های هنر و زیبایی‌شناسی، خدا و خداشناسی و فلسفه اخلاق در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه منتشر می‌شود.

نگارنده این معرفی، خود در جریان فعالیت‌های مربوط به ترجمه این فرهنگ‌نامه بوده و به‌خوبی آگاه است که این ترجمه از درون فعالیت‌های پژوهشی مؤسسه فرهنگی-پژوهشی نوارغنون بیرون آمده است. نیازهای پژوهشی به منابع متقن، اصیل و زیربنایی، محققان این مجموعه را به جست‌وجوی مآخذی علاقه‌مند کرده بود که دربرآوردن این مقصد شایستگی‌های لازم را داشته باشد. این فرهنگ‌نامه علاوه بر اینکه در مرحله نخست، در کنار سایر منابع، به‌خوبی بخش‌هایی از نیازهای تحقیقی را برآورده ساخته، اکنون به‌عنوان منبعی مستقل نیز درخور مراجعه و بهره‌برداری است. نکته قابل توجه دیگر در ترجمه مذکور – که خود شاهد آن بوده‌ام – انجام یک ترجمه گروهی همراه با تبادل نظر جمعی بوده است. این ترجمه به‌خوبی از آزمون فعالیت‌های جمعی بیرون آمده است و می‌تواند الگوی مناسبی برای فعالیت‌هایی از این قبیل در حوزه‌های حساس و پیچیده‌ای چون فلسفه باشد که در آن هر یک از کارشناسان و کارآمدان می‌توانند برحسب سابقه و مطالعات، بار بخشی از آن را بردوش گیرند. متأسفانه این دست از همکاری‌های گروهی در محافل دانشگاهی ما کمتر صورت می‌گیرد.

مقدمه

فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفه^۱ مجموعه‌ای سیزده‌جلدی است. انتشار متن فرهنگ‌نامه در دوازده جلد قطور رحلی که جلد سیزدهم آن به فهرست‌ها اختصاص دارد، به تدریج از سال ۱۹۷۱ آغاز شده و انتشار جلد دوازدهم آن در سال ۲۰۰۴

1. Historisches Wörterbuch der Philosophie

به پایان رسیده است. این فرهنگ نامه آلمانی، ۳۷۱۲ مدخل در زمینه های مفاهیم فلسفه و نیز مفاهیم مشترک میان فلسفه و سایر علوم را دربر می گیرد. فرهنگ نامه تاریخی مفاهیم فلسفه، تحت سرپرستی و مدیریت علمی یوآخیم ریتز^۱، کارل فرید گروندر^۲ و سپس گوتفرد گابریل^۳، با همکاری بیش از ۱۵۰۰ استاد با سابقه و متخصص در زمینه فلسفه به رشته تحریر درآمده و در انتشارات شوابه^۴ در شهر بازل سوئیس و اشتوتگارت آلمان به چاپ رسیده است.

درباره یوآخیم ریتز

ریتز - مدیر این فعالیت علمی سترگ - در سوم آوریل ۱۹۰۳ در هامبورگ به دنیا آمد و در سوم آگوست ۱۹۷۴ در شهر مونتسر درگذشت. زمینه های اصلی کار ریتز عبارت بود از فلسفه، الهیات و تاریخ. او در سال ۱۹۲۵، رساله دکتری خود را با عنوان «نظریه جهل نزد نیکولاس کوزانوس» با راهنمایی ارنست کاسیرر به رشته تحریر درآورد. در این دوره، فعالیت های عمده وی به پیروی از کاسیرر، بررسی تحول مفاهیم فلسفی دوران متأخر باستان و قرون میانه متأخر و ورود آنها به دوران جدید بود. از جمله مهم ترین آثار وی که در این دوره وی به رشته تحریر درآورد، تاریخی بودن معرفت علمی در سال ۱۹۳۸ است. ریتز پس از جنگ جهانی دوم، به جمع مجموعه ای از پژوهشگران ملحق شد که آثار هگل و به طور خاص فلسفه حق او را از منظری زبان شناسانه موضوع پژوهش های جدی قرار داده بودند. حاصل این تتبعات، از جمله انتشار کتاب هگل و انقلاب فرانسه در سال ۱۹۵۷ بود. این کتاب،

-
1. Joachim Ritter
 2. Karlfried Gründer
 3. Gottfried Gabriel
 4. Schwabe

ناظر به نظریه‌ای فلسفی دربارهٔ دوران مدرن بود که مفهوم تفرقه^۱ جایگاه ویژه‌ای در آن یافته بود. مراد از این تفرقه، نبودِ همراهی جوهر تاریخی در باطن انسان‌های دورهٔ مدرن با تحولات صنعتی و حقوق بورژوازی بود که زمینه‌های رهایی انسان‌ها را از حاکمیت طبیعت و سنن دیرینه فراهم ساخته بود و اکنون با رواج آموزش‌های ویژه‌ای در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و ترویج گرایش‌های زیبایی‌شناختی در حوزهٔ هنرها و مناسبات انسان با طبیعت، فقدان ارتباط تاریخی و فقدان عناصر افسونگر از متن زندگی جاری در دروهٔ مدرن را جبران می‌کرد. توجه ریتز به فلسفهٔ عملی که راه وی را به‌جانب «هرمنیوتیک عالم تاریخی» هموار ساخت، در نگارش دو کتاب *زندگی شهروندی؛ دربارهٔ نظریهٔ ارسطو در باب سعادت* در سال ۱۹۵۶ و *تأسیس فلسفهٔ عملی در نزد ارسطو* در سال ۱۹۶۰ به‌اوج رسید. در این تلقی ریتز، تکلیف اصلی فلسفهٔ عملی، پروراندن ارزش‌های انتزاعی و یا طرح انتظام‌های سیاسی نیست بلکه تفسیر واقعیت‌های انضمامی و تاریخی است به‌گونه‌ای که تفرقهٔ میان نهادهای شهروندی مدرن و فاعلی^۲ که باید آنها را همراهی کند، از میان برود.

ریتز در سال ۱۹۳۲، با نگارش رساله‌ای با عنوان *بررسی اقتباس و تحول هستی‌شناسی نوافلاطونی نزد آگوستین*، در جرگهٔ استادان مبرز آلمانی قرار گرفت. او از سال ۱۹۴۶ تا دورهٔ بازنشستگی‌اش در سال ۱۹۶۸، استاد رسمی دانشگاه مونتنسر در ایالت نورد راین وستفالن آلمان بود؛ و طی سال‌های ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۵ نیز به‌عنوان استاد مدعو در دانشگاه استانبول به فعالیت‌های علمی اشتغال داشت. ریتز از جمله چهره‌های شاخص آکادمی علمی ایالت نورد راین وستفالن و آکادمی علوم و ادبیات شورای علمی آلمان در شهر ماینس بود. وی مسئولیت ضمیمهٔ «علوم انسانی» روزنامهٔ مشهور *فرانکفورتر آلگماینه تسایتونگ* را نیز طی سال‌های طولانی عهده‌دار

1. entzwiung

2. subjekt

بوده است. چهره‌های شاخصی چون ارنست ولفگانگ بکن‌فرد^۱، هرمان لوبه^۲ و روبرت اشپه‌من^۳ در میان دانشجویان وی، حاکی از آن است که وی در شمار مؤثرترین فیلسوفان آلمانی در دوران پس از جنگ جهانی دوم بوده است. یورگن هابرماس از وی به‌عنوان صاحب مکتب ریتز^۴ نام می‌برد.

درباره کتاب فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفه

بی‌شک پایه‌گذاری فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفه، در شمار ماندگارترین فعالیت‌های ریتز است. ریتز در سال ۱۹۶۴، خطوط اصلی و خط‌مشی خود را در نگارش این اثر منتشر کرد و در پیشگفتار جلد نخست فرهنگ‌نامه، به تفصیل درباره رویکرد آن به بحث پرداخت و گزارشی از مشکلات و مسائلی را ارائه کرد که پیش‌روی مؤلفان آن قرار داشت.

در آغاز، مؤلفان مداخل مربوط به فرهنگ‌نامه مفاهیم فلسفی اثر (رودلف آیسلر) را که اول بار در سال ۱۸۹۹ منتشر و تا سال ۱۹۳۰ چهار بار تجدید چاپ شده بود، مبنای کار خود قرار دادند. هدف این بود که با جرح و تعدیل و به‌ویژه تکمیل عناوین این اثر، فرهنگ‌نامه جدیدی تألیف شود. در فاصله تألیف میان این دو فرهنگ‌نامه، تلقی از فلسفه و نگرش به جایگاه آن در نظام علوم، بسیار متحول شده بود؛ از جمله اینکه بسیاری از مفاهیم و گرایش‌های جدید در فلسفه پای گرفته بود که در فرهنگ‌نامه آیسلر بازتابی نداشت. گذشته از این، شیوه آیسلر این بود که در ابتدای هر مدخلی براساس دیدگاه خود تعریفی نظام‌مند از مفهوم آن ارائه کند؛ بنابراین، در فرهنگ‌نامه او، چهارچوب و مسیر نگارش مدخل از پیش تعریف شده

1. Ernst Wolfgang Böckenförde

2. Herman Lübe

3. Robert Spaemann

4. Ritter-Schule

بود. از دریچه نحوه نگارش تاریخی ریترو و شاگردانش که متأثر از اندیشه‌های هیدگر، روتتهکر و گدامر بودند، در رویکرد آیسلر، تطورات تاریخی مفاهیم نادیده گرفته می‌شد و هر مفهومی تنها از منظر نظام فلسفی خاص مورد قبول مؤلف آن معرفی می‌شد. کوشش مؤلفان فرهنگ‌نامه جدید این بود که به بازشناسی خاستگاه‌های مفاهیم فلسفی در زبان محاوره و ثبت و انعکاس مراحل مختلفی پردازند که این مفهوم در طی تاریخ فلسفه نزد فیلسوفان و نحله‌های مختلف فلسفی پیدا کرده بود و بدین ترتیب، به گونه‌ای مستند مجال آن را فراهم آورند تا خوانندگان بتوانند فارغ از موضعگیری‌های فلسفی خاص، این تحولات را پیگیری کنند. از جمله مسائل دشواری که نویسندگان فرهنگ‌نامه جدید با آن روبه‌رو بودند، تفکیک و درعین حال تلفیق تاریخچه واژه‌ها^۱، تاریخچه مفاهیم^۲ و تاریخچه موضوعات فلسفی^۳ و شناسایی نسبت میان آنها بود؛ زیرا هر یک از این سه قلمرو، اقتضای روش پژوهشی خاص خود را داشت. به علاوه، مبنای فرهنگ‌نامه جدید توصیف نظام مند هیچ‌یک از مکاتب فلسفی - یعنی روال معمول در نگارش تاریخ فلسفه‌ها - نبود، بلکه هدف، انعکاس تلقی این مکاتب از مفهوم مورد نظر و تأثیر این تلقی‌ها بر دیگر گونی‌های آن بود. لازمه چنین رویکردی، بررسی متون فلسفی و غیرفلسفی در یک مقطع زمانی^۴ برای یافتن معنای مفاهیم از یک سو و نیز بررسی آنها در طول زمان^۵ بود.

حاصل سه دهه تلاش بی‌وقفه محققان و مؤلفان، فرهنگ‌نامه‌ای شده که نه تنها در حوزه آلمانی زبان بلکه در سایر حوزه‌های فلسفه نیز تاکنون بدیلی نداشته است. امتیاز

-
1. wortgeschichte
 2. begriffsgeschichte
 3. problemgeschichte
 4. synchron
 5. diachron

این فرهنگ‌نامه در این است که در آن سیر تطور تاریخی مفاهیم به گونه‌ای مستند همراه با مآخذ و منابع برای مطالعه بیشتر در اختیار خوانندگان قرار گرفته است.

درباره ترجمه فرهنگ‌نامه تاریخی مفاهیم فلسفه

مؤسسه فرهنگی- پژوهشی نوارغون از میان مداخل فرهنگ‌نامه ریتز در زمینه مابعدالطبیعه، در مجموع هفتاد مدخل را جهت ترجمه انتخاب کرده است. شیوه نگارش متن آلمانی مداخل بسیار دشوار و مطابق معمول فرهنگ‌نامه‌نویسی، به‌غایت فشرده است که این معضل در ترجمه فارسی نیز انعکاس یافته است. به‌رغم کوشش مترجمان برای بهره‌گیری از معادل‌های متداول در ترجمه‌های متون فلسفه غرب به زبان فارسی و معادل‌های سنت فلسفه اسلامی، در بسیاری از موارد، ضرورت پیدا کرده است معادل‌هایی گذاشته شود. احتیاط مترجمان برای پرهیز از تداعی‌های نادرست، در به‌کاربردن معادل‌های فلسفه سنتی، شایسته توجه است. نویسندگان مداخل در موارد زیادی نقل قول‌های مستقیمی را از متون فلسفی به زبان‌های لاتینی، یونانی، فرانسوی، ایتالیایی و انگلیسی ذکر کرده‌اند بی‌آنکه ترجمه آلمانی آن را در اختیار خواننده قرار دهند. برگردان این نقل قول‌ها به زبان فارسی، به‌دلیل لزوم احاطه به هر یک از این زبان‌ها، به دشواری کار دامن زده است. به‌نظر می‌رسد در ترجمه، کوشش بر این بوده است که در پی دستیابی به درکی درست از متن اصلی، ضمن وفاداری به متن، ترجمه‌ای روان و رسا در اختیار خوانندگان فارسی‌زبان قرار گیرد. در این ترجمه، مبنای نقد محتوایی مداخل‌ها نبوده، اما گاه در پانویس به ناهمخوان بودن خود متن و یا دریافت ناکافی نگارنده اشاره شده است. شاید مجموع این دشواری‌ها موجب شده است که کار ترجمه از حد یک ترجمه صرف فراتر رود و تا حدودی به یک کار تحقیقی تبدیل شود.

ترجمه متن از سال ۱۳۸۱ و طی چند مرحله صورت گرفت: ترجمه پایه، ویرایش علمی اول با حضور مترجمان و تدقیق و مقابله اصطلاحات فلسفی، ویرایش علمی دوم شامل مقابله مجدد کل متن اصلی با متن تصحیح شده از سوی مترجمان و اعمال اصلاحات ادبی. در این ترجمه، نقل قول‌ها و اصطلاحاتی که به زبان‌های غیرآلمانی در متن آمده، ترجمه شده است. در برخی موارد، میان متن اصلی غیرآلمانی و ترجمه‌ای که نویسنده آلمانی از آنها به عمل آورده بود تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. مترجمان بنا را بر این گذاشته‌اند که در این موارد بر ترجمه آلمانی تکیه کنند و جز در مواردی معدود، از برگرداندن مستقیم این نقل قول‌ها به فارسی احتراز کرده‌اند.

حروف چینی، صفحه‌آرایی، یکسان‌سازی شیوه‌املائی، تصحیح علائم و رموز سجاوندی و سپس تهیه پانویس‌ها، فهرست اعلام، کتاب‌ها، رساله‌ها و اصطلاحات و واژگان فلسفی موجود در متن، از جمله نقاط قوت این ترجمه است.

چند ملاحظه

فرهنگ‌نامه ریتز نیز همانند تمامی آثار بهره‌مند از ویژگی‌های ابداعی، خالی از کاستی‌ها نیست. به‌رغم آنکه نگارندگان این اثر بزرگ تلاش کرده‌اند تا مفاهیمی را که بیرون از دایره فلسفه مغرب‌زمین (از جمله در فلسفه چین، هند و به‌ندرت فلسفه اسلامی و یهودی) نقشی تعیین‌کننده داشته‌اند، در فهرست مداخل این فرهنگ‌نامه جای دهند، در تبیین تطورات مفاهیم عمده فلسفی به‌ویژه آنهایی که در سنت فلسفی یونان ریشه دارند، تکیه عمده کار همچنان بر تحولات اندیشه فلسفی در مغرب‌زمین بوده است. از این‌رو، جز در مواردی اندک که خاستگاه برخی از مفاهیم مشخصاً فلسفه اسلامی بوده، جای انعکاس سیر تحولات مفاهیم فلسفی در سنت فلسفه

اسلامی در این اثر خالی است. در حالی که بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که کارهای فلاسفه مسلمان تا چه اندازه در این تحولات تأثیر گذاشته و برخلاف رأی تاریخ‌نگاران سده نوزدهم اروپا، فلسفه اسلامی صرفاً در حکم واسطه‌ای برای انتقال اندیشه یونان باستان به قرون بعد نبوده است.

با توجه به فاصله زمانی سی و پنج ساله نگارش نخستین جلد این مجموعه تا اتمام آن، بدون تردید واژه‌ها، مفاهیم و موضوعات جدیدتری در حوزه فلسفه پدید آمده‌اند که طبعاً در این مجموعه امکان انعکاس آنها فراهم نیامده است و در نتیجه باید با کارهای مشابه تکمیل و یا با نتایج کاوش‌های بعدی تصحیح شود.

نظر به حجم و غنایی که این فرهنگ‌نامه دارد، برگردان برخی دیگر از مداخل این فرهنگ‌نامه از سوی مؤسسه فرهنگی- پژوهشی نوارغنون و یا دیگر صاحبان بضاعت علمی و علاقه، خدمتی ارزنده خواهد بود.

سبک نگارش نویسندگان مداخل متفاوت است حتی برخی از مداخل را چندین مؤلف به رشته تحریر درآورده‌اند که موجب ناهمگونی در نگارش متن آلمانی شده و بالطبع بر متن ترجمه نیز تأثیر گذاشته است.

در این فرهنگ‌نامه هم مانند غالب منابعی که در غرب تکمیل می‌شوند، به فلسفه سنتی غربی توجه شده است. فرهنگ‌نامه در درون حوزه فرهنگ اروپایی به طور طبیعی، خوب و منطقی پیش رفته، اما در بیرون از آن حیطه توان چندانی نداشته است. با همین ملاحظه، در برخی از مداخل اختصاصی فلسفه اسلامی، ایرادهایی وجود داشته است. شاید یکی از دلایل این نوع کاستی‌ها، گستردگی کار بوده که به آنها اجازه نداده است در همه حیطه‌ها کاملاً تخصصی وارد شوند و ممکن است اطلاعات و منابع کاملی در دست نداشته‌اند. این کار برعهده فرهنگ‌های ملل دیگر است که بر غنای این فرهنگ‌نامه بیفزایند تا طوری نگاشته شود که «اروپا محور» نباشد.

بسیار مناسب است که در یک دادوستد فکری با ناشر، دست‌اندرکاران و مؤلفان موجود این فرهنگ، امکانی فراهم آید که مدخل‌های مربوط به فلسفه‌های شرقی به‌طور عام و فلسفه اسلامی به‌طور خاص در این فرهنگ‌نامه تکمیل شود. ما در شرایط فعلی، بیشتر از نقادی کار دیگران، به تتیم و تکمیل این فعالیت‌ها نیاز داریم. ویرایش ترجمه، براساس قواعد متداول ویراستاری فارسی صورت نگرفته و این اشکال از آنجا ناشی شده که در متن آلمانی نشانه‌هایی به کار رفته است که در ویراستاری فارسی یا اساساً معادلی ندارند و یا معادل‌های دیگری دارند و از این رو به‌ناچار نشانه‌های متن آلمانی، اساس کار ویرایش فارسی قرار گرفته است. شاید این نشانه‌ها در برخی از موارد برای خواننده فارسی‌زبان نامأنوس باشد.

نکته قابل توجه دیگر در این ترجمه این است که در متن فارسی غالباً نام فیلسوفان و نویسندگان با تلفظ زبان زادگاهشان آمده است؛ هرچند که این تلفظ در منابع فارسی معمول نباشد. البته صورت‌های مختلف ضبط این نام‌ها در فهرست اعلام ذکر شده و این ابتکار، به غنای علمی ترجمه بسیار افزوده است.

واژه‌های آلمانی خاص و نیز واژه‌های غیرآلمانی (یونانی، لاتینی، انگلیسی، فرانسوی و ایتالیایی) و تمامی نقل قول‌های غیرآلمانی داخل متن، در پانویس آمده و در مورد واژه‌های یونانی، با توجه به متفاوت بودن الفبای این زبان، آوانویسی این واژه‌ها به فارسی نیز ارائه شده است، شاید با این ملاحظه که در خواننده متون فلسفی، اشتیاقی به فراگیری این زبان کارساز باستانی فراهم آید.